



**رسول الله صلى الله عليه وسلم از خانه بیرون آمد و نزد حلقه‌ای از اصحابش رفت و فرمود: «مَا أَجَلَسَكُمُ؟»؛ «چه چیز شما را [اینجا] نشانده است؟» گفتند: نشسته‌ایم تا الله را یاد کنیم و او را برای آنکه ما را به اسلام هدایت کرد و برای آنچه بر ما منت نهاده حمد و ستایش گوئیم. فرمود: «اللَّهِ مَا أَجَلَسَكُمُ إِلَّا ذَاكَ؟»؛ «سوگندتان می‌دهم به الله که آیا چیزی جز این شما را نشانده است؟» گفتند: سوگند به الله که چیزی جز این ما را اینجا نشانده است. آنگاه رسول خدا فرمود: «أَمَا إِنِّي لَمُ أَسْتَخْلِفُكُمْ تُهْمَةً لَكُمْ، وَلَكِنَّهُ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ»؛ «من از روی اتهام وبدگمانی نسبت به شما قسم‌تان ندادم، بلکه جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که الله عزوجل با شما به ملائکه مباحثات می‌کند»**

از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: معاویه نزد گروهی در مسجد رفت که حلقه زده بودند، پس گفت: چه چیز شما را اینجا نشانده است؟ گفتند: نشسته‌ایم و ذکر و یاد الله می‌کنیم. گفت: شما را به الله سوگند جز برای این ننشسته‌اید؟ گفتند: به الله سوگند جز برای این ننشسته‌ایم. وی گفت: من برای این از شما سوگند نخواستم که شما را متهم سازم و کسی کمتر از من از رسول خدا روایت نکرده است؛ رسول الله صلى الله عليه وسلم از خانه بیرون آمد و نزد حلقه‌ای از اصحابش رفت و فرمود: «مَا أَجَلَسَكُمُ؟»؛ «چه چیز شما را [اینجا] نشانده است؟» گفتند: نشسته‌ایم تا الله را یاد کنیم و او را برای آنکه ما را به اسلام هدایت کرد و برای آنچه بر ما منت نهاده حمد و ستایش گوئیم. فرمود: «اللَّهِ مَا أَجَلَسَكُمُ إِلَّا ذَاكَ؟»؛ «سوگندتان می‌دهم به الله که آیا چیزی جز این شما را نشانده است؟» گفتند: سوگند به الله که چیزی جز این ما را اینجا نشانده است. آنگاه رسول خدا فرمود: «أَمَا إِنِّي لَمُ أَسْتَخْلِفُكُمْ تُهْمَةً لَكُمْ، وَلَكِنَّهُ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ»؛ «من از روی اتهام وبدگمانی نسبت به شما قسم‌تان ندادم، بلکه جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که الله عزوجل با شما به ملائکه مباحثات می‌کند».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

معاویه بن ابی سفیان - رضی الله عنهما - نزد کسانی می‌رود که در مسجد حلقه زده‌اند، و از آنان درباره‌ی علت جمع شدنشان می‌پرسد، و آنان می‌گویند: الله را یاد می‌کنیم، پس معاویه - رضی الله عنه - حاضران را سوگند می‌دهد که نشست و جمع شدنشان جز برای ذکر و یاد الله نیست؟ و آنان نیز برای وی سوگند یاد می‌کنند که هدفی جز این نداشتند، سپس به آنان می‌گوید: من از روی متهم ساختن شما به دروغ یا شک و تردید در صدق و راستی‌تان شما را قسم ندادم؛ سپس به بیان جایگاه خود نسبت به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌پردازد و اینکه کسی مانند ایشان به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نزدیک نبود، زیرا برادر همسر پیامبر یعنی ام حبیبه بود؛ و همچنین کاتب وحی

بود، اما با این حال کم حدیث روایت کرده است. و به آنان خبر می‌دهد که روزی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از خانه‌اش بیرون آمد و آنان را دید که در مسجد نشسته و ذکر و یاد الله دارند و او را برای هدایت‌شان به اسلام و منتی که بر آنان نهاده ستایش می‌کنند، پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - همانند معاویه همین سؤال را از آنان پرسید و آنان را سوگند داد، سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - درباره سبب این پرسش و سوگند دادن آنان فرمود که جبرئیل - علیه السلام - نزد ایشان آمده و خبر داده که الله عزوجل به سبب شما نزد ملائکه مباحثات و افتخار می‌کند و فضل شما و عمل نیکتان را به آنان نشان می‌دهد و شما را نزد ملائکه می‌ستاید.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/3007>



النجاة الخيرية  
ALNAJAT CHARITY

